

Analysis of the influence of the power of provincialism in the society from the perspective of the Holy Quran and Nahj al-Balaghe

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Fatemeh Zahra Ramezani
Seyyed Hamid Hosseini
Hamed Fathaliani

How to cite this article

Fatemeh Zahra Ramezani, Seyyed Hamid Hosseini, Hamed Fathaliani, Analysis of the influence of the power of provincialism in the society from the perspective of the Holy Quran and Nahj al-Balaghe, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(1): 241-248.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. (Corresponding author)
3. Assistant Professor, Department of Education, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran.

* Correspondence:

Email: Hoseinihamid2@gmail.com

ABSTRACT

The attribute of being a guardian is one of the most important traits in individuals and society, and it means accepting and obeying the guardian of Allah, His representative on earth. Governorship is one of the basic concepts in the Holy Qur'an, Nahj al-Balagha and society, and it is defined as a political and moral concept as the relationship between man and God. This concept is very important and fundamental in Islam, especially in the concept of Imamate. In this article, the importance of provincialism as an important concept in Islam and society has been examined and explained. The province and the role of provincialism in legality, unity of Muslims, the truth of proper life and the establishment of the society system have also been examined. Also, the influence of guardianship in this world and the hereafter has also been investigated and it has been emphasized that the love of Ahl al-Bayt (peace be upon them) can give a person several worldly and hereafter qualities. The important effects of provincialism include limitability and legality. The Holy Quran has advised to emphasize obedience to God and His messengers as the duty of all believers. Also, Nahj al-Balagheh also emphasizes the guardianship and obedience to Wali Allah and His Messengers and highlights this as a way to achieve prosperity and progress of the society. The experience of "provincialism" will be in Islamic human societies and a world that has moral and social characteristics and recommends commitment and obedience to God and the innocents (peace be upon them). Therefore, provincialism not only benefits the person who practices it, but also creates significant social and cultural effects in the society. The research method of this article is descriptive analytical method with library technique.

Keywords: Wilayat, effects of Wilayat, society, Qur'an, Nahj al-Balagah

تحلیل تأثیر قدرت ولایت پذیری در جامعه از منظر

قرآن کریم و نهج البلاغه

فاطمه زهرا رضانی

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

سید حمید حسینی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

حامد فتحعلیانی

استادیار، گروه معارف، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران.

چکیده

ویژگی ولایت پذیری یکی از صفات مهم در افراد و جامعه است و به معنای پذیرش و اطاعت از ولی الله، نماینده او در زمین، می‌باشد. ولایت پذیری یکی از مفاهیم اساسی در قرآن کریم و نهج البلاغه و جامعه است و به عنوان یک مفهوم سیاسی و اخلاقی به عنوان رابطه انسان با خداوند تعریف می‌شود. این مفهوم در اسلام، به خصوص در مفهوم ولایت امامت، بسیار مهم و اساسی است. در این مقاله، به بررسی و توضیح اهمیت ولایت پذیری به عنوان مفهومی مهم در اسلام و جامعه پرداخته شده است. ولایت و نقش ولایت پذیری در قانون پذیری، اتحاد مسلمانان، حقیقت زندگی مناسب و برقراری نظام جامعه نیز مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، تأثیر ولایت پذیری در دنیا و آخرت نیز مورد بررسی قرار گرفته است و تأکید شده است که محبت اهل بیت (علیهم السلام) می‌تواند به انسان چندین خصلت دنیوی و آخری بخشد. اثرات مهم ولایت پذیری شامل حد پذیری و قانون پذیری است. قرآن کریم به تأکید بر اطاعت از خداوند و رسولان او به عنوان وظیفه‌ی همه‌ی مؤمنان توصیه کرده است. همچنین، نهج البلاغه نیز به ولایت و اطاعت از ولی الله و رسولانش تأکید می‌کند و این را به عنوان راهی برای رسیدن به سعادت و پیشرفت جامعه برجسته می‌سازد. تجربه‌ی "ولایت پذیری" در جوامع انسانی اسلامی و دنیایی خواهد بود که از صفات اخلاقی و اجتماعی برخوردار است و به تعهد و اطاعت از خداوند و معصومین (علیهم السلام) توصیه می‌کند. بنابراین ولایت پذیری نه تنها به فردی که آن را به عمل می‌آورد، بهره‌مندی می‌بخشد، بلکه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی قابل توجهی نیز در جامعه ایجاد می‌کند. روش تحقیق این مقاله، روش توصیفی تحلیلی با فن کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلید واژگان: ولایت، ولایت پذیری، آثار ولایت، جامعه، قرآن، نهج البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰

*نویسنده مسئول: Hoseinihamid2@gmail.com

مقدمه

اصل و اساس در بحث ولایت پذیری، پذیرش ولایت خداست. ولایت خدا که بزرگترین نعمت خدا بر بندگانش است، از طریق ولایت خلفا و اولیای الهی آنها که در مقام ولایت تام پروردگار عالم هستند، یعنی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) جاری می‌شود. همانهایی که نعمت ولایت آنها الی الابد بر خلق جاری و هیچکس در این مهم حتی قابل مقایسه آنها نیست. «لا یُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَ لَا یَسُوּیُ بِهِمْ مِنْ جَرَّتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا». (نهج البلاغه، خطبه دوم)

آنها انسان‌هایی هستند که بار امانت الهی را به دوش کشیده‌اند و ظرفیت تحمل ولایت و اسرار الهی را پیدا کرده و خدای متعال آن اسرار را به آنها عنایت فرموده است. اشرف و اعظم این انسانها در سلسله اولیاء الهی، چهارده معصوم (علیهم السلام) هستند.

مفهوم ولایت

«ولایت» از واژه‌های پر استعمال در قرآن کریم و نهج البلاغه است. از نظر لغوی گفته شده «الوَلِیُّ حَاصِلُ الْوَلَاةِ مِنْ غَیْرِ فَضْلِ: ولی عبارت است از قرار گرفتن فرد با شیء دوم به دنبال فرد یا شیء اول، بدون فاصله، ولی الشیء و علیه ولایه: یعنی مالک امر آن شده و بر آن قیام کرد یا آن که از ولایت با فتح و کسر – هر دو – به معنای امارت و سلطنت است» (اقرب الموارد، ماده ولی)

راغب اصفهانی گوید: «الوَلَاءُ وَ التَّوَالِیُّ انْ یَحْصِلُ شَیْئَانِ فَصَاعِدًا حَاصِلًا لَیْسَ بَیْنَهُمَا لَیْسَ مِثْلَهُمَا» و لاء و توالی به معنای آن است که دو چیز یا بیشتر از آن، طوری قرار گیرند واقع شوند که بین آن دو غیر از خود آن‌ها چیز دیگری نبوده باشد. (مفردات راغب، ماده ولی)

(ولایت) واژه‌ای عربی است که از کلمه (ولی) گرفته شده است. در لغت عرب، (ولی) به معنای آمدن چیزی است در پی چیز دیگر، بی آنکه فاصله‌ای در میان آن دو باشد که لازمه چنین توالی و ترتیبی، قرب و نزدیکی آن دو به یکدیگر است. از این رو، این واژه با هیبت‌های مختلف (به فتح و کسر) در معانی (حُبّ و دوستی)، (نصرت و یاری)، (متابعت و پیروی) و (سرپرستی) استعمال شده که وجه مشترک همه این معانی همان قرب معنوی است. منظور از واژه (ولایت) در بحث امامت، آخرین معنای مذکور، یعنی (سرپرستی) است (۱).

ولاء، ولایت (به فتح «واو» در ولایت)، به کسر «واو» در «ولی، مولی، اولی» و امثال اینها همه از ماده «ولی» (و، ل، ی) اشتقاق یافته‌اند. این واژه از پرکاربردترین واژه‌های قرآن کریم است که به صورت‌های مختلفی به کار رفته است (۲).

می‌توان گفت که ولایت در لغت، یعنی اتصال و ارتباط و قرب دو چیز بصورت مماس و مستحکم با یکدیگر است. در هر کدام از معنی که برای ولایت گفته شده، به نوعی این قرب و نزدیکی بین دو طرف وجود دارد. مثلاً «ولایت» به معنای محبت هم هست؛ چون محبّ و محبوب، با یکدیگر یک ارتباط و اتصال معنوی دارند و

همان ولایت الهی است دائماً و پیوسته از تاریکیها خارج و به نور رهنمون و وارد میشود اگر نه منهای ولایت جریان عکس برقرار شده انسانها از نور خارج و بسوی تاریکیها روان می شوند که پایان کار آنها آتشی جاودانه خواهد بود: **اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ** (بقره/۲۵۷)

دارندگان ولایت

عقل سلیم می پذیرد که بهترین قانون گذار برای بشر، خالق و آفریننده ای است که به تمامی ابعاد وجودی انسان و نیز مشکلات و نیازهای جسمی و روحی او احاطه دارد.

پس از خالق به تعیین او، رسولش و مومنانی که زکات (صدقه) در حال رکوع دادند (داد) بر مسلمین ولایت دارند. در آیه ۵۵ سوره مائده ﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ... ﴾ که به آیه ولایت مشهور است کلمه «ولی» به معنای سرپرست است و از منحصر کردن ولایت برای خدا و رسول خدا (ص) و مؤمنین معلوم می شود منظور از "مؤمنین" همه مؤمنین جامعه نیستند؛ ضمن این که چنین چیزی هم عقلاً و هم عملاً محال است و نمی شود مؤمنین همگی با هم سرپرست جامعه باشند. در این آیه نام علی بن ابی طالب (ع) را ذکر نشده، لکن یک حالت و وصفی را بیان می کند که منحصر در آن حضرت بوده و روایات در این خصوص بسیار است که به مناسبت به یکی از آنها اشاره می شود: رسول اعظم (ص) فرمودند: **وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ إِلَى قَوْلِهِ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَعَلَى بَنِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ. (۶) پیامبر (صلی الله علیه و آله) - همانا که خداوند تبارک و تعالی در کتابش چنین نازل فرمود: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ... وَهُمْ رَاكِعُونَ وَعَلَى بَنِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) است که نماز به پای داشته و در حالت رکوع زکات پرداخته، و اوست که پیوسته و در همه حال متوجه خداوند بوده و در تمام امور او را در نظر می گیرد.**

آیه اولی الامر هم دلیل ولایت ائمه اهل بیت (علیهم السلام) است: **«أَطِيعُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ خُذُوا اطَاعَتِ كُنَيْدٍ وَبِیَامِرِ وَأُولِیای امر خود را نیز اطاعت کنید».** (نساء: ۵۹)

این آیه از مشهورترین آیات دلالت کننده بر ولایت ائمه اهل بیت (علیهم السلام) است. با توجه به اطلاق و عمومیت اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و اولی الامر آشکار است که ضرورتاً این افراد باید معصوم باشند و امر و نهی آنها با امر و نهی حق تعالی مطابقت تام داشته باشد؛ زیرا در صورت تعارض یا تراحم میان امر و نهی حق تعالی و امر و نهی رسول و اولی الامر، امتثال امر به اطاعت از هر دو ناممکن می شود.

به شهادت آیه «تطهیر» ائمه اهل بیت (علیهم السلام) معصومند: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً.** (احزاب: ۳۳) از جابر بن عبد الله انصاری نقل شده است:

جدا کردنشان از یکدیگر، امکان پذیر نیست. و هكذا در سایر معانی آن.

بنابر این «ولایت» پیوندی است از که از لحاظ فطری، روحی و عملی برقرار می شود.

اهمیت ولایت

علامه طباطبایی (ره) می فرماید: «توحید بدون اعتراف به امام و ولی درست نیست. (۳) همچنین می فرماید: توحید اعتراف به ذات موصوف به صفات حمیده مانند عالم و قادر است و از جمله صفات حمیده که جزو توحید است، این است که خداوند دارای اولیاء است.

«بَنِي الْإِسْلَامِ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَتَّأَمَّرْ بِشَيْءٍ كَمَا نُوذِيَ بِالْوَلَايَةِ: اسلام بر پنج پایه استوار است: بر پا داشتن نماز، روزه ماه مبارک رمضان، دادن زکات، حج خانه خدا (کعبه)، و ولایت (و قبول امامت) ما خاندان رسالت» (۴).

درباره ترک چهار پایه نخست، (در بعضی از موارد) رخصت داده شده است، ولی در مورد ترک ولایت، هیچ گونه رخصتی داده نشده است؛ یعنی کسی که ثروت ندارد، بر او زکات واجب نیست و کسی که مستطیع نیست، حج بر او واجب نیست و کسی که بیمار است، نشسته نماز بخواند و در ماه رمضان روزه نگیرد، ولی در باب ولایت، خواه انسان صحیح و سالم باشد یا بیمار، ثروتمند باشد یا فقیر، حتماً لازم است به ولایت و امامت امامان معصوم معتقد باشد.

در روایت دیگر زراره از امام باقر (ع) می پرسد: «کدام یک از این پنج پایه برتر و مهم تر است؟ حضرت می فرماید: «الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ، لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهِنَ» (۵). ولایت برتر است، چرا که کلید بقیه است و صاحب ولایت راهنمای مردم به آن چهار رکن دیگر است» این فرمایش امام باقر (ع) جایگاه رفیع ولایت و رهبری معصوم را در نظام سیاسی اسلام نشان می دهد که حافظ جوهره دین و احکام خداست.

امام رضا (ع) در بیانی، بعد از ذکر بعضی از ادله درباره دلیل وجود ولی امر، می فرماید: **«وَمِنْهَا أَنَا لَا نَجِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرْقِ وَلَا مَلَّةً مِنَ الْمَلَلِ عَاشُوا وَبَقُوا إِلَّا بِقِيمٍ وَرَيْسٍ، لَمَّا لَا بَدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا، فَلَمْ يَجْزِ فِي حِكْمَةِ الْحَكِيمِ أَنْ يَتْرَكَ الْخَلْقَ وَهُوَ يَعْلَمُ إِنَّهُ لَا بَدَّ لَهُمْ إِلَّا بِهِ»**

ما هیچ گروه یا ملتی را نیافتیم که بتواند به حیات و بقای خود ادامه دهد، مگر با وجود سرپرست، قیّم و رئیسی (که به امور آنان رسیدگی کند)؛ زیرا مردم به ناچار به وجود سرپرستی نیاز دارند که کارهای دنیا و آخرت آنان را تنظیم نماید»

ولایت پذیری چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی آن به معنای اجرای یکی از سننها و قوانین قطعی الهی در زندگی انسان است، با ولایت پذیری وجود انسان و نیز جامعه اسلامی تحت امر انسانی کامل که علم، اوامر و نواهی، تربیت و هدایت او از خدایی است که خالق بشر است و به همه جوانب او علم و اشراف داشته و آگاهی به نیازهای او دارد، قرار گرفته و تنها در پرتو آن ولایت آنها که

يُنْصَبُ لَهُ مِيزَانٌ وَيُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَيَكْتَبُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ بَيْضٌ وَجْهَهُ وَيَكْسَى مِنْ حِلِّ الْجَنَّةِ وَيَشْفَعُ فِي مَائَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ وَ يَتَوَجَّعُ مِنَ تَبِجَانِ الْجَنَّةِ وَ الْعَاشِرَةَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَطُوبَى لِمُحِبِّ أَهْلِ بَيْتِي: پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: ولایت‌مداری آدمی را صاحب بیست خصلت می‌کند که ده موردش مربوط به دیانت و عبارتند از: زهد نسبت به دنیا، حرص در انجام عمل صالح، پارسایی در دین، عبادت همراه با شوق وافر، توبه قبل از مرگ، سحرخیزی و شب‌زنده‌داری، ناامیدی از آنچه در دست مردم است، نگرهبانی از حريم دين خدا، بغض نسبت به دنیای مذموم، بخشش و سخاوت. پیامبر اکرم(ص) در ادامه بیان خصلت‌هایی که ولایت‌مداری به دنبال دارد، به ده خصلتی اشاره می‌کنند که مربوط به آثار اخروی ولایت‌مداری است. کتاب چنین شخصی به دست راستش سپرده شده، برائت از آتش جهنم برای او نوشته می‌شود، سفیدرو، در حله‌های بهشتی پوشیده می‌شود، اجازه شفاعت صد تن از خاندان خود را می‌یابد، خداوند به نظر رحمت در او می‌نگرد، تاج بهشتی بر سرش می‌نهند و بدون حساب وارد بهشت می‌شود» (۹).

۱. قانون پذیری

مشکلاتی که در قوانین بشری که معمولاً عاقل‌ترین و عالم‌ترین انسانها آنها را وضع کرده‌اند، وجود دارد، ناشی از ضعف علمی بشر به تمام ابعاد وجودی اوست. از همین رو پیوسته شاهد به بن بست رسیدن قوانین بشری در عرصه‌های گوناگون در جوامع، و بازنگری و تغییر آنها هستیم. همین موضوع موجبات قانون‌گریزی را به وجود می‌آورد به این معنا که فرد قانون‌گرایز اغلب یک ماده یا یک قانون را به هیچ وجه به عنوان قانون قبول نداشته و در واقع معتقد است در تصویب آن قانون، قانون‌نویسان دچار اشتباه شده‌اند، بنابراین قانون برای وی الزام و تکلیف نیست و با این استدلال به خودش اجازه می‌دهد، قانون را عمل نکند و قانون‌گریزی داشته باشد. این در حالی است که آن روی دیگر ولایت‌پذیری و به تعبیر دقیق تر باطن ولایت‌پذیری، قانون‌پذیری است. با اطاعت و پذیرفتن ولایت انسان کامل، در واقع انسان حد و مرزی برای خود تعیین کرده و محدودیتی را می‌پذیرد. چرا که انسان رها، بی‌قید و بی محدودیت حیوانی است که هیچ نظم و قانونی برای زندگی خود ندارد.

انسانی که حد و مرزی در زندگی خود شناسد در پی روی از نفسانیات طبیعتاً هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد، موضوعی که سخت‌ترین آسیب‌های اجتماعی را رقم زده، زندگی اجتماعی را مختل و هزینه‌های سنگین مادی و معنوی به جامعه تحمیل می‌کند. روشن است که آزادی نامحدود در هیچ جامعه‌ای وجود خارجی ندارد و وجود قانون و اجرای آن برای هر جامعه‌ای لازم و ضروری است و اجرای این قوانین در واقع پذیرفتن همان محدودیتی است که در سرتاسر دنیا مورد احترام و نیز مورد احتیاج بشر است.

۲. نظام جامعه و اتحاد مسلمین

لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ص يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَرَفْنَا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَمَنْ أُولُو الْأَمْرِ الَّذِينَ قَرَنَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ بِطَاعَتِكَ فَقَالَ ع هُمْ خُلَفَائِي يَا جَابِرُ وَ أئِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ بَعْدِي أَوْلَهُمْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفُ فِي التَّوْرَةِ بِالْبَاقِرِ وَ سَدْرُكَهٖ يَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ سَمِيُّ وَ كُنِّي حُجَّةً اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ بَقِيَّتِهِ فِي عِبَادِهِ ابْنُ الْحُسَيْنِ بْنُ عَلِيٍّ ذَاكَ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ذَاكَ الَّذِي يَغِيبُ عَنْ شِيعَتِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ غَيْبَةً لَا يُثَبِّتُ فِيهَا عَلَيَّ الْقَوْلَ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مِنْ أُمَّتِحْنِ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ: (۷)

"جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: پس از نزول آیه اولی الامر به پیامبر (ص) عرض کردم: ای رسول خدا! ما خدا و پیامبرش را شناختیم؛ اما اولی الامری که خداوند اطاعت آنها را با اطاعت تو قرین کرده است، چه کسانی هستند؟ پیامبر (ص) فرمود: آنان خلفای من و امامان مسلمانان بعد از من خواهند بود. اول آنها علی بن ابی‌طالب، سپس حسن، آن‌گاه حسین، سپس علی بن‌الحسین، سپس محمد بن علی- که در تورات معروف به باقر است- و تو ای جابر! به زودی او را درک خواهی کرد. هنگامی که او را ملاقات کردی از سوی من او را سلام برسان، سپس صادق (جعفر بن محمد)، سپس موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، سپس محمد بن علی، سپس علی بن محمد الهادی، سپس حسن بن علی، سپس هم‌نام و هم‌کنیه من، حجت خدا در زمین و بقیه الله بین بندگانش، (او) فرزند حسن بن علی خواهد بود و همان کسی است که خداوند به دست او شرق و غرب زمین را خواهد گشود و او همان کسی است که از نظر شیعیان و دوستانش غایب می‌شود؛ غیبتی که در آن به جز کسانی که خداوند قلب آنها را بر ایمان آزموده است کسی قایل بر امامتش ثابت نمی‌ماند"

بنابر این دارندگان ولایت ما سواي ذات احدیت منحصرًا رسول اعظم و ائمه اهل بیت (علیهم السلام) هستند.

آثار ولایت‌پذیری

ولایت‌پذیری و ولایت‌مدار با امام حق محشور می‌شود، چنان‌که فرموده‌اند: «وَاللَّهُ لَوْ أَحْبَبَنَا حَجَرَ حَشْرَهُ اللَّهُ مَعَنَا: به خدا قسم! اگر سنگی ما (اهل بیت) را دوست داشته باشد، با ما محشور خواهد شد» (۸). خلاصه اینکه آثار ولایت‌مداری در فرمایشی از پیامبر گرامی اسلام(ص) به شیوایی بیان شده است: «مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حَبَّ الْأُتْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكَنَّ أَحَدًا مِنْهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ خَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ فِي الْآخِرَةِ أَمَّا فِي الدُّنْيَا فَالزَّهْدُ وَ الْحِرْصُ عَلَى الْعَمَلِ وَ الْوَرَعُ فِي الدِّينِ وَ الرِّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ وَ التَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَوْتِ وَ النَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَ الْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ التَّاسُّعَةُ بَعْضُ الدُّنْيَا وَ الْعَاشِرَةُ السَّخَاءُ وَ أَمَّا فِي الْآخِرَةِ فَلَا يَنْشُرُ لَهُ دِيْوَانَ وَلَا

محبت اهل بیت آدمی را صاحب بیست خصلت می‌کند که ده موردش مربوط به دنیاست و عبارتند از: ۱. زهد نسبت به دنیا، ۲. حرص در انجام عمل صالح، ۳. پارسایی در دین، ۴. عبادت همراه با شوق وافر، ۵. توبه قبل از مرگ، ۶. سحرخیزی و شب‌زنده‌داری، ۷. ناامیدی از مردم و غیر خدا، ۸. نگرانی از حریم دین خدا، ۹. بغض نسبت به دنیای مذموم، ۱۰. بخشش و سخاوت.

آثار اخروی حب اهل بیت (علیهم السلام) هم عبارتند از: ۱. بر پا نشدن دیوان داوری برای اعمال، ۲. عدم اقامه میزان سنجش اعمال، ۳. داده شدن نامه اعمال به دست راست، ۴. برائت از آتش جهنم، ۵. سفیدروی در آخرت، ۶. پوشیده شدن در حله‌های بهشتی، ۷. اجازه شفاعت، ۸. نظر رحمت پروردگار، ۹. به سر نهادن تاج بهشتی، ۱۰. ورود بدون حساب به بهشت.

امام رضا (ع) در بیانی، بعد از ذکر بعضی از ادله درباره دلیل وجود ولی امر، می‌فرماید: «و منها انا لا نجد فرقة من الفرق ولا ملة من الملل عاشوا و بقوا ائلا بقیم و رئیس، كما لا بد لهم منه في امر الدين و الدنيا، فلم يجز في حكمة الحكيم ان يترك الخلق و هو يعلم انه لا بد لهم الا (۱۳)»
ما هیچ گروه یا ملتی را نیافتیم که بتواند به حیات و بقای خود ادامه دهد، مگر با وجود سرپرست، قیم و رئیس (که به امور آنان رسیدگی کند)؛ زیرا مردم به ناچار به وجود سرپرستی نیاز دارند که کارهای دنیا و آخرت آنان را تنظیم نماید»

در برخی روایات ولایت سبب رفع کلم طیب دانسته شده است: امام صادق (ع) در این خصوص می‌فرماید: «في قول الله عز و جل ائله يصعد الكلم الطيب والعمل الصالح يرفعه... (فاطر / ۱۰)، قال: ولاننا اهل البيت (و اهوى بيده إلى صدره) فمن لم يتولنا لم يرفع الله له عملا: در تفسیر آیه «سخنان پاکیزه به سوی او (خدا) صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد»، فرمودند: ولایت ما اهل بیت مایه عروج عمل است (و سپس به سینه خود اشاره کردند و) فرمودند: کسی که ولایت ما را ندارد، خداوند هیچ عملی را از او بالا نمی‌برد» (۱۴).

۴. تحقق حیات معقول

گذر مردم از حیات طبیعی و قدم گذاشتن در حیات معقول مطلب مهمی است. «حیات معقول عبارت است از تکاپویی آگاهانه که هر یک از مراحل زندگی که در این تکاپو سپری می‌شود، اشتیاق و نیروی حرکت به مرحله بعدی را می‌افزاید. شخصیت انسانی رهبر این تکاپو است؛ آن شخصیت که ازلیت سرچشمه‌ی آن است، این جهان معنی‌دار گذرگاهش و قرار گرفتن در جاذبیت کمال مطلق در ابدیت، مقصد نهایی‌اش؛ آن کمال مطلق که نسیمی از محبت و جلالش، واقعیات هستی را به تموج درآورده و چراغی فرا راه پرنشیب و فراز تکامل ماده و معنی می‌افروزد» (۱۵).

جامعه‌ای که ولایت ندارد، استعدادها آن به انحراف می‌رود، یا خنثی می‌شود؛ و یا به هدر رفته؛ و نابود شده و هز می‌رود. حیات آدمی، انرژی و توان او صرف اندیشیدن برای فساد آفرینی شده؛ ظهر افساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس؛ (روم/ ۴۱) فساد، در

در قرآن کریم یکی از وظایف انبیا رفع اختلافات و ایجاد امت واحده بیان شده است. فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (بقره/ ۲۱۳)
خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این باره فرموده‌اند: «فَجَعَلَ اللَّهُ... اطاعتنا نظاماً للملة و امامتنا اماناً للفرقة: خداوند اطاعت و پیروی از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است» (۱۰)

انکار ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، اولین بذره‌های نفاق و جدایی در جامعه متحد اسلامی پاشیده شد و تبدیل جامعه واحد، به دو گروه مخالف شیعه و سنی، نخستین میوه تلخ ولایت ناپذیری عده‌ای بود.

مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در خطبه ۲۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «فيا عجباً عجباً و الله يئمت القلب و يجلب ائهم من اجتماع هؤلاء القوم على باطلهم و تفرقكم عن حقاكم؛ شگفتا، شگفتا! به خدا سوگند، این واقعیت قلب انسان را می‌میراند و دچار غم و اندوه می‌کند که شامیان در باطل خود وحدت دارند و شما در حق خود متفرقید.»

هم آن حضرت بعنوان ولی امر مسلمین می‌فرماید: لیس رجل فاعلم احرص على جماعة امة محمد ص و آلفتها مني؛ (نهج البلاغه، نامه ۷۸) بدان که هیچ کس بر وحدت و همدلی امت محمد(ص)، از من حریص تر نیست.

۳. خیر دنیا و آخرت

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لنا على الناس حق الطاعة و الولاية و لهم من الله سبحانه حسن الجزاء (۱۱)؛ برای ما نسبت به مردم حق اطاعت و ولایت است و برای مردم نسبت به خدای سبحان برترین پاداشها است.»

از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است که فرمودند:

«من رزقه الله حب الأئمة من أهل بيتي فقد أصاب خير الدنيا و الآخرة فلا يشكك أحد انه في الجنة فإن في حب أهل بيتي عشرين حصلة عشر منها في الدنيا و عشر في الآخرة أما في الدنيا فالزهد و الحرص على العمل و الورع في الدين و الرغبة في العبادة و التوبة قبل الموت و النشاط في قيام الليل و اليأس مما في أيدي الناس و الحفظ لأمر الله و نهية عز و جل و التأسع بغض الدنيا و العاشرة السخاء و أما في الآخرة فلا ينشر له ديوان و لا ينصب له ميزان و يعطى كتابه بيمينه و يكتب له براءة من النار و يبيض وجهه و يكتسى من حلال الجنة و يشفع في مائه من أهل بيته و ينظر الله عز و جل إليه بالرحمة و يتوج من تيجان الجنة و العاشرة يدخل الجنة بغير حساب قطوبى لمحبي أهل بيتي. (۱۲).

خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده اند آشکار شده است. بخاطر آنکه او برای کشتن انسانها می‌اندیشد و ابزار آن را می‌سازد؛ برای توسعه لذات حیوانی و برای محکم کردن پایه‌های استثمار و استبداد و استکبار می‌اندیشد؛ او برای تعمق حیات حیوانی و دور کردن انسانها از حیات معقول و حتی نابودن کردن حیات معقول انسانها می‌اندیشد.

چشم دارد، اما آنچه باید ببیند نمی‌بیند، و آنچه باید نبیند می‌بیند؛ گوش دارد، اما سخن حق را نمی‌شنود. چون تمام سرمایه‌گزارش را صرف حیات حیوانی خود کرده لَهْمُ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا (اعراف/۱۷۹)

عبور دادن انسان از محدودیت حیات معمول و رساندن او به به حیات معقول یکی از اهداف بزرگ اولیاء الهی بوده است تنها در سایه استجاب دعوت‌های خدا و پیامبر(ص) نیل به زندگی معقول و حیات نورانی میسر می‌شود؛ «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» (انفال/۲۴)

به تعبیر امام خمینی(ره) امامان معصوم افزون بر بیان معارف و راهنمایی‌های ظاهری مردم، ولایت و رهبری باطنی اعمال را نیز به عهده دارند و آنها حیات معنوی مردم را تنظیم می‌کنند. (۱۶)

انبیاء و اولیاء الهی، حیات را حقیقتی عالی و با عظمت تراز تجلیات مادی آن معرفی کرده اند. آن‌ها "علم" و "عمل صالح" را برای تکامل انسان در مسیر رسیدن به حیات معقول در نظر می‌گرفتند. هر چند فعالیت‌های انسانی جنبه مادی دارد، ولی حقیقت و باطن آن می‌تواند جنبه معقول هم داشته باشد. در این نوع زندگی که باطنش عقلانی، ولی نمودش دنیوی و مادی است، هیچ‌گاه احساس پوچی و رکود در حیات به انسان دست نمی‌دهد و آدمی با وجود ناگواری‌های بسیار، حیات را گوارا تلقی می‌کند.

۵. تهذیب نفوس

تهذیب نفس یکی از مهم‌ترین سفارشات قرآن کریم و تضمین‌کننده سعادت انسان است. طولانی‌ترین سوگندهای خداوند در قرآن کریم در سوره «شمس» است و سه بار در آن سوگند به ذات پاک خداوند تکرار شده است؛ در باره این موضوع است که «فلاح و رستگاری در تزکیه نفس است». تزکیه نفس در الگوگیری از اولیاء الهی میسر می‌شود چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ (احزاب/۲۱). همانا برای شما رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست. و نیز می‌فرماید: قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ؛ (ممتحنه/۷) مسلماً برای شما در ابراهیم و کسانی که با او بودند سرمشقی نیکوست.

عشق و محبت به اولیای الهی (پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع))، بهترین وسیله و زمینه برای پاکسازی روح از پلیدی‌ها و تهذیب نفس، با الگوگیری از روش محبوب اعلام شده است (۱۳). امام هادی(ع) در گفتار زیر به این معنا اشاره دارد: «وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لَخَلَقْنَا وَطَهَّرَهُ لَانْفُسَنَا وَتَزَكِيَةَ لَنَا؛ آنچه خداوند در پرتو ولایت‌مداری شما به ما ارزانی داشت، (موجب) پاک‌طینت ما، پاکدامنی ما و برای تزکیه و تهذیب ماست» (۸).

۹. قبولی اعمال

اعمال آن کسی که حُبِّ ائمه(ع) در دل دارد، هرچند آن اعمال ناچیز باشد، مورد قبول خداوند متعال قرار می‌گیرد؛ زیرا اعمال خود را

تهذیب نفس به سوی کمال مطلق رهسپار می‌شود. از این جهت است که امام هادی(ع) می‌فرماید: «وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لَخَلَقْنَا وَطَهَّرَهُ لَانْفُسَنَا وَتَزَكِيَةَ لَنَا؛ آنچه خداوند در پرتو ولایت‌مداری شما به ما ارزانی داشت، (موجب) پاک‌طینت ما، پاکدامنی ما و برای تزکیه و تهذیب ماست» (۸).

۶. بالا رفتن اعمال صالح

ولایت‌پذیری موجب بالا رفتن اعمال صالح می‌شود. امام صادق(ع) در تفسیر آیه «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»؛ سخنان پاکیزه به سوی او (خدا) صعود می‌کند و عمل صالح را بالا می‌برد، می‌فرماید: «وَلَايَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَهْوَى بَيْدِهِ إِلَى صَدْرِهِ فَمَنْ لَمْ يَتَوَلَّنَا لَمْ يَرْفَعْ اللَّهُ لَهُ عَمَلًا»؛ (۵)، فرمودند: ولایت ما اهل بیت مایه عروج عمل است (و سپس به سینه خود اشاره کردند) و فرمودند: کسی که ولایت ما را ندارد، خداوند هیچ عملی را از او بالا نمی‌برد»

امام باقر(علیه السلام) در حدیث دیگری می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيُؤَالِيهِ وَ يَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بَدَلًا لَيْلَهُ أَلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ أَبَدًا» (۱۱). (اگر مسلمانی تمام شب‌ها شب زنده داری کند و تمام روزها روزه‌داری نماید و تنها به پرداخت وجوه شرعی و واجب اکتفا نکند، بلکه تمام اموال و سرمایه‌اش را در راه خدا صدقه بدهد، و در تمام طول عمرش هر ساله به حج برود، ولی اهل ولایت نباشد و «ولی الله» را شناسد تا ولایتش را به گردن نهد، و اعمالش را طبق دستور او انجام دهد، چنین مسلمانی هرگز انتظار ثواب و پاداش الهی را نداشته باشد).

۷. دستیابی به ایمان حقیقی و راستین

پذیرش ولایت ائمه(ع) و دل سپردن به آن، تنها راه سعادت بشر بوده است و انکار ولایت موجب انکار نبوت و موجب کفر به خداست، چراکه ولایت‌مداری، ترکیبی از ایمان به محتوای نبوت و ایمان به امامت و ولایت ائمه(ع) و انجام اعمال شایسته، همراه با خلوص نیت است تا در پرتو آن انسان به قرب خداوندی برسد و تحت ولایت خاص خداوند قرار گیرد. برای اتصال به منبع نور الهی (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ... (النور/۳۵)) همت گماشت تا به ایمان راستین به خدا دست یافت.

۸. تهذیب نفس

عشق و محبت به اولیای الهی (پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع))، بهترین وسیله و زمینه برای پاکسازی روح از پلیدی‌ها و تهذیب نفس، با الگوگیری از روش محبوب اعلام شده است (۱۳). امام هادی(ع) در گفتار زیر به این معنا اشاره دارد: «وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لَخَلَقْنَا وَطَهَّرَهُ لَانْفُسَنَا وَتَزَكِيَةَ لَنَا؛ آنچه خداوند در پرتو ولایت‌مداری شما به ما ارزانی داشت، (موجب) پاک‌طینت ما، پاکدامنی ما و برای تزکیه و تهذیب ماست» (۸).

و خصوصاً عالمان دینی نسبت به این مسئله، شناخت بیشتر و عمیق‌تری پیدا کنند. قرآن کریم و روایات ائمه اطهار(ع) نقش ولایت را به خوبی ترسیم نموده است و کمال و اصل اساسی دین را که توحید می‌باشد، به ولایت منوط کرده‌اند؛ یعنی توحید بدون ولایت نمی‌تواند به عنوان دژ نفوذناپذیر به حساب آید و توحید کامل و واقعی باشد، چون توحید و اسلام وقتی کامل است که رهبری معصوم و ولایت در کنار آن باشد. ولایت‌مداری در شیعه از جایگاه ولایی برخوردار است؛ زیرا مکتب اهل بیت(ع) نمایانگر اسلام ناب محمدی(ص) و تنها نماینده واقعی آن است و هر کس به وادی ولایت نزدیکتر و در ولایت‌مداری استوارتر است، از این چشمه‌های معنوی بهره بیشتری خواهد برد. بالاترین و مرتفع‌ترین امر دین و کلید همه امور دینی و مدخل آنها و نیز مایه خرسندی خدای جهان، اطاعت از امام، پس از معرفت اوست. بنابراین، ولایت اهل بیت(ع) فرع دین نبوده، بلکه جزء اصول دین است. محبت‌ورزی و اطاعت‌پذیری در برابر ولی خدا، از برجسته‌ترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های فرد ولایت‌مدار است. البته باید توجه داشت که محبت به ولی خدا در پرتو محبت به خدا و فرمانبری از آنها، اطاعت از خداست. در پایان نیز پیشنهاد می‌شود شاخص‌های ولایت‌مداران واقعی در پژوهش جداگانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد تا افراد خود را بر اساس آنها بسنجند و تلاش نمایند خود را به آن شاخص‌ها برسانند.

References

1. Erballi, Ali bin Musa. (1381 A.H.). *Kashf Al-Ghamma fi Marafah Al-Aemma*. Tabriz: Bani Hashemi School.
2. Tamimi Ammadi, Abdul Wahid bin Mohammad. (2015). *Gharar al-Hakm and Darr al-Kalam*, Qom, Dar al-Hadith Cultural Institute.
3. Jafari, Mohammad Taghi. (1389). *Philosophy of Religion*, Qom: Allameh Jafari Institute for Compilation and Publishing.
4. Javadi Emoli, Abdullah. (1369). *Revelation and leadership*. Tehran: Al-Zahra Publications.
5. Har Aamili, Muhammad bin Hasan. (1409). *Shiite means*. Qom: Al-Al-Bayt Foundation. First Edition.
6. Khomeini, Ruhollah. (1388). Tehran, Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.

مزین به امر ولایت کرده است. ابن عباس می‌گوید به پیامبر اسلام(ص) عرض کردم: مرا نصیحتی کن. حضرت فرمودند: «عَلَيْكَ بِمُودَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ عَبْدٍ حَسَنَةً حَتَّى يَسْأَلَهُ عَنْ حُبِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَهُوَ تَعَالَى أَعْلَمُ فَيَنْ جَائَهُ بِوَلَايَتِهِ قَبْلَ عَمَلِهِ عَلِيٌّ مَا كَانَ مِنْهُ وَإِنْ لَمْ يَأْتِ بِوَلَايَتِهِ لَمْ يَسْأَلَهُ عَنْ شَيْءٍ ثُمَّ أَمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ: أَيِ ابْنِ عَبَّاسٍ! بَرِّتْ بِي بِدَوْلَةِ دُوسْتَدَارِي عَلِيٍّ(ع). سوگند به خداوندی که مرا به حق به پیغمبری برگزید، خداوند از بنده‌اش کار نیکی را نمی‌پذیرد، مگر آنکه از او در رابطه با محبت علی(ع) سؤال کند [و البته خداوند خود داناست]. پس اگر به ولایت علی بوده، عمل او [به هر حال که باشد] پذیرفته می‌گردد و گرنه از او به غیر ولایت سؤال نشده، امر می‌گردد که او را به آتش بیندازید» (۱۲).

۱۰. شفاعت ائمه(ع)

ائمه(ع) شفیع ارادتمندان خویش در روز قیامت هستند و انسان ولایت‌مدار مورد شفاعت ایشان است، چنان‌که در زیارت جامعه می‌خوانیم: «و شَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ... وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ: شَمَا شَفِيعِ عَالَمِ بَاقِي (آخِرَت) هَسْتِند... وَ شَفَاعَتِ شَمَا پَذِيرَفْتَه شَدَه اسْت» (۱۱).

۱۱. رستگاری

افراد ولایت‌پذیر و ولایت‌مدار رستگاراند. این خطاب مکرر از زبان پیامبر گرامی(ص) نقل شده است که: «إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: رُوزِ قِيَامَتِ، اَيْنِ مَرْدِ (عَلِيٍّ(ع)) وَ شِيعِيَانِ اَوْ رَسْتِگَارَانِ وَ اَهْلِ نَجَاتِ هَسْتِنْد» (۲).

۱۲. ورود به بهشت

آنها که به حمایت از ولایت برخاستند، در منزلگاه بهشت جای داده خواهند شد، چنان‌که در فرازی از زیارت جامعه کبیره آمده است: «مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَاوَاهُ: هَر كَسْ كَهْ اَز شَمَا ائِمَّةِ هَدِي(ع) پِيروِي كِنْد، جَايگَاهْ اَوْ بَهْشْتْ خَوَاهْدْ بُوْد» (۹).

ولایت‌مدار بدون حساب، در بهشت لقاء حضرت احدیت داخل می‌شود، چون بعد از آنکه حق را شناخت، هر چه خیر از دستش می‌آمد، انجام داده است و این وعده الهی است که P... مِنْ عَمَلٍ صَالِحًا مِنْ ذِكْرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يَرْزُقُونَ فِيهَا بَغَيْرِ حِسَابٍ: ... هَر كَسْ كَارِ شَايِسْتَه‌ای اِنجَام دَهْد - خَوَاهْ مَرْدِ يَا زَن - دَر حَالِي كَهْ مُؤْمِنْ بَاشْد، اَنهَا وَاَرْدْ بَهْشْتْ مِي شُونْدْ وَ دَر اَن رُوزِي بِي حِسَابِي بَه اَنهَا دَاده خَوَاهْدْ شَدْ (غافر/ ۴۰). محبت رسول‌الله و اهل بیت او موجب تقویت و سنگینی اعمال شده، سبب ثقل میزان می‌گردد و به حال انسان فایده می‌بخشد و نهایت اینکه ائمه(ع) صراط مستقیم هستند (۴) و آن که بر این صراط است، به راحتی از پل صراط خواهد گذشت.

نتیجه‌گیری

اسلام، که بنیان خود را بر فطرت طبیعی انسان گذاشته است، هیچ تردیدی در مورد اعتبار و مشروعیت ولایت و رهبری ندارد. روایات متعددی وارد شده که ولایت، اساسی‌ترین بنیاد اسلام است. این جایگاه رفیع و والا در تفکر دینی مستلزم این است که هر مسلمان

7. Sobhi, Saleh. (1395 AH). Nahj al-Balagha. Qom: Hijrat Publications.
8. Sadouq, Muhammad bin Ali. (1378). Ayun Akhbar al-Reza, peace be upon him. Tehran: Nashr Jahan. First Edition.
9. Sadouq, Muhammad bin Ali. (1382). Kamal al-Din and Tamma Al-Naimah, translation: Mansour Pahlavan, Qom, Jamkaran Holy Mosque.
10. Tabatabaei, Mohammad Hossein. (2019). Shia in Islam, Qom, Bostan Kitab.
11. Tusi, Mohammad bin Hasan. (1414 A.H.). Amali First Edition. Qom: Dar al-Thaqafa.
12. The wedding of Hawizi, Abdul Ali bin Juma. (1415 A.H.). Tafsir Noor al-Thaqqlin. The research of Seyyed Hashem Rasouli Mahalati. fourth edition. Qom: Ismailian.
13. Qomi, Sheikh Abbas. (1389). Mufatih al-Jannan. Translated by Mehdi Elahi Qomshaei. Qom: Danesh.
14. Kilini, Muhammad ibn Yaqoob. (1385). Usul al-Kafi. Translated by Mohammad Bagher Kameraei. Eighth edition. Tehran: Asoeh Publications.
15. Majlesi, Mohammad Bagher. (1403 A.H.). Bihar al-Anwar Beirut: Revival of Arab Heritage.
16. Motahari, Morteza. (1378). collection. Tehran: Sadra Publications.